

به مناسبت اول ماه می، روز همبسته گی کارگران و زحمتکشان جهان

کودکان، نیروی کار ارزان

سودجویان جهان سرمایه داری و دلالت رنکارنگ آن در کشورهای اطراف سرمایه، سالهاست که پدیده شرم آور {استفاده از نیروی کار ارزان را که سرحدش حتی تا برده گی کودکان} می انجامد، به یک روند روزمره رشدیابنده که حیات میلیونها کودک را در سراسر گیتی تهدید مینماید، مبدل نموده اند.

پدیده مذکور، تا دیرزمانی در بند راز و رمز قرار داشت؛ اما، زشتی، کراهت و استثمار جانکاه که عمق و وسعت جهانی یافته- از یک سو و پیکار طبقاتی نهادهای دگرگونخواه جهان که به رهایی انسان از طلسم ستمها عقیده مند اند، از سوی دگر پرده از روی این رازها و رمزهای جهنمی (سؤاستفاده از نیروی کودکان و استثمار) آنان برداشته، تصویرهای عینی از زنده گی غم انگیز کودکان کارگر (برده گان ارزان) را به جهانیان ارائه داده اند.

سرمایه داری جهانی با اصل سودآوریش به تنهایی در ممکن ساختن و دوام پروسهء استثمار کودکان عمل نکرده، بل که در همیاری وسایل و امکانهای ژورنالیستیک، اطلاعاتی و خبری و محققان، مصلحان اجتماعی و سازمانها و نهادهای به اصطلاح مدافع حقوق کودکان و حقوق بشری بورژوایی، به تحکیم موضع ستمگرانهء خود پرداخته و وسیعاً برای انحراف افکار عمومی در جهان تلاش میورزد.

مجموعه یا کمپلکس نهادها و منابع تبلیغی- ترویجی سیاستهای سرمایه داری، چنانکه از آوان تولدش پیداست، صرفاً برای غلبه و سودبری بیشتر نسبت به نیروهای رقیب و حریف بوده، به خصوص، در هیاهوی جهانی سازی سرمایه داریست، که شعارهای فریبندهء مبارزه علیه «کار، استثمار و بهره کشی از کودکان» را سر میدهند و شتابان خود را در صحنه ها پیش میکشند و به نمایشهایی میپردازند، که گویا، «برای کاهش ستم بر کودکان» میوزمند. اما، حقیقتی که در این گونه «دماگوزیها» نهفته است، همانا، حفظ منافع و استمرار حیات سرمایه داری و گسترش قلمروش در جهان میباشد.

با توجه به انکشاف اوضاع سیارهء ما در ابعاد گونه گونش، میشود به ساده گی پی بُرد، که اردوی ملیونی «بهره دهان خوردسال» که ارزان ترین نیرو برای استثمار به شمار می آیند، هم در کشورهای پیشرفتهء صنعتی و هم در جهان اطراف سرمایه داری تن به دایرهء بسته یی از کارهای طاقتفرسا، شاقه و مملو از تعدی، تجاوز و مرگ تدریجی میدهند، که این خود پرده از رنگین کمان افسانه های فریبندهء بورژوازی برداشته و ضرورت مبارزهء ریشه یی علیه آن را موجه میداند.

تبیین عمده یی که بورژوازی در زمینهء کار کودکان مینماید، آن است، که آن را یکی از عوامل اساسی و تعیین کننده برای کاستن و رهایی از فقر دامنگیر خانواده های کودکان میداند و مدعیست که کار کودکان به ایجاد شرایط بهتر زنده گی برای خودشان و خانواده های شان می انجامد. هرچند که در این تبیین بورژوایی، به جوانب

زشت و ناهنجار کار کودکان انگشت انتقاد گذاشته میشود و نظریه ها و مطالبه هایی هم از جانب نهادهای حقوقی و ...، برای بهشد شرایط کار آن ها تجویز میگردد، اما مسأله اساسی این است که کودکان فقیر برای همیشه در «برده گی مُزدی» به زنجیر کشانیده میشوند و محکوم میگردند که برای کمک به خود و خانواده های شان جانکنی نمایند و نیرو بفروشند.

تبیین بالا، که به اصطلاح یگانه راه فرار از چنگال فقر و دستیابی به یک زنده گی بهتر تلقی میگردد، با مهارت خاصی ارایه میشود، که بر اساس آن، نی ایرادی متوجه اصل سودآوری سرمایه و بهره کشی آن از کودکان است و نی لزومی بر ممنوعیت کار کودکان روی دست گرفته میشود.

باید دقت نمود، که کار کودکان در واقع دایرهء بستهء فقر را نی تنها که محدود نمیکند، برعکس، با سازماندهی زمینه های آن از جانب صاحبان سرمایه، این دایره وسعت کسب نموده، نیروهای کاری ارزان روزافزون و بیشتری را در بدل دستمزد کمتر نسبت به کارگران بزرگسال، ساعتهای طولانی تر کار و ایجاد رقابت بین کارگران بزرگسال و کودکان کارگر- که بالاخر منجر به بیکاری بیشتر کارگران بزرگسال میگردد، در خدمت کارفرماها قرار میدهد. در متن این گونه سازماندهیهاست که باز هم اصل «سودآوری بیشتر سرمایه» اولویت کسب نموده، و هرچه بیشتر به آن تفکر میشود و دوام آن ضمانت میگردد.

از جانبی، افسانهء کار کودکان در کشورهای اطراف سرمایه و یا کشورهایی که از نظر صنعتی رشد قابل ملاحظه یی ندارند و هنوز در بند مناسبات اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی ماقبل سرمایه داری قرار دارند، به مثابهء یک نوع {فرهنگ یا سنت اختصاصی کشورهای اطراف سرمایه و یا به عبارء دیگر جهان سومی} پنداشته و معرفی میشوند و قدامت و سابقهء این فرهنگ به اصطلاح به هزاران سال سپری شده

در تاریخ این سرزمینها وانمود میگردد(!) بنابراین کمترین سرکشی و اقدامی برضد آن جایز پنداشته نمیشود!!

اما، واقعیت امر چیزی دیگری و آن کتمان آشکار ستم طبقات فرادست کشورهای صنعتی و سرمایه داری بر کودکان کارگر از یک سو و تداوم، پاگیری و وسعت دامنه های جانکاه ستم و استثمار وحشیانه کودکان در سرزمینهای اطراف سرمایه و پشتیبانی از صاحبان وسایل تولید و دلالت همسنگرشان از طرف دیگر میباشد. اگر با دید روشن بینانه به این طرح نگریسته شود، به وضاحت میتوان دریافت که استثمار و بهره کشی از نیروی کار کودکان، کمترین ربطی به {سنت و فرهنگ} کشورهای به اصطلاح "جهان سومی" نداشته، برعکس تماماً به سودآوری سرمایه مربوط و منوط میشود. برعلاوه، "برده گی مزدی کودکان" هیچ گاهی یک پدیده "جهان سومی" نبوده است هرچند بر حسب احصاییه های موجود، بیشترین تعداد کودکان کارگر در کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین کار مینمایند، اما سود به دست آمده از کار کودکان عمدتاً نصیب سرمایه های بزرگ غربی میشود و این جزیی مهمی از همان حلقهء زنجیرگونهء تولید کمپانیها و شرکتهای چندملیتیست.

جوانان بیدار، رسالت تاریخی خود میدانند تا در راه دفاع پیگیرانه و لغو بی چون و چرای استثمار مزدی کودکان و ایجاد زمینه های عینی یک دنیای بهتر و زنده گی انسانی تر برای میلیونها کودک که آینده سازان جامعهء بشری اند، دوشادوش نیروها و نهادهای مترقی و دگرگونخواه مبارزه نمایند.

ما، برآنیم و جهانیان با درد و درک نیز میدانند، در جهان ما آن اندازه ثروت و ثروتمند وجود دارد، که به کار کودکان نیازی نباید باشد و آن اندازه امکانش وجود دارد که میشود گرسنه گی، فقر، بیماری و برده گی کودکان را ریشه کن نمود.

برای ساختن دنیایی که در آن کودکان از شادی و تندرستی برخوردار باشند؛ به جای وابسته گی جسمی و روانی و تحقیر، بیشترین امکانه‌های آموزشی و احترام را در اختیار داشته باشند؛ و تماماً امکانه‌های مادی و معنوی زنده گی انسانی در خدمت رشد و آسایش آنان قرار داشته باشد، لازمست تا نظام سرمایه داری و نظامهای ارتجاعی وابسته به آن را به مصاف کشید، چون که پرابلم اساسی عصر ما خود نظام سیاسی- اقتصادی سرمایه داریست؛ این نظام و دُکترین آن بر اساس قانون سود و بهره کشی از انسان استوار بوده و حتی تا سرحد برده ساختن و وابسته گی کودکان به این قانون گسترده گی دارد.

www.ayenda.org